

یادداشت

در باب ماهیت منظرین یک مفهوم

وطن

مریم‌مجیدی

پژوهشکده هنر، معماری و شهرسازی نطر

کودک، مرزهای سیاسی را نمی‌شناسد و پرندۀ هر سال به همان شاخه بازمی‌گردد. هیچ‌کدام وطن را از روی نقشه پیدا نمی‌کنند. وطن پیش از آنکه بر صفحه جغرافیا رسم شود، در حافظهٔ انسان نقش می‌بندد. «وطن» از آن واژه‌هایی است که همه گمان می‌کنند معنای آن را می‌دانند، اما هرچه بیشتر درباره آن بیندیشیم، تعریفش دشوارتر می‌شود. معمولا وطن را با سرزمین، مرز، دولت، حاکمیت یا تاریخ سیاسی توضیح می‌دهند. این تعاریف، حتما برای فهم کشور ضروری‌اند، اما برای فهم وطن کافی نیستند. زیرا وطن برخلاف سرزمین، فقط یک واقعیت جغرافیایی نیست و برخلاف دولت، صرفا یک نهاد سیاسی نیست. وطن تجربه‌ای است که در نسبت انسان و سرزمین پدید می‌آید؛ نسبتی که در طول زمان، در حافظه، فرهنگ، زبان، آیین، سکونت و زندگی روزمره رسوب می‌کند. از همین رو، اگر سرزمین را واقعیتی جغرافیایی بدانیم، وطن ماهیتی منظرین دارد؛ زیرا از نسبت تاریخی، فرهنگی و زیستهٔ انسان با سرزمین پدید می‌آید.

منظر نه طبیعت است، نه چشم‌انداز و نه مجموعه‌ای از عناصر کالبدی. منظر، صرفا آن چیزی نیست که دیده می‌شود؛ بلکه آن چیزی است که زیسته، تجربه و معنا می‌شود. منظر زمانی پدید می‌آید که سرزمین، در افق تجربه انسانی، به جهانی معنادار بدل شود. ازاین‌رو منظر نه یک شیء، بلکه نوعی رابطه است؛ رابطه‌ای میان انسان و سرزمین که در آن، طبیعت و فرهنگ، گذشته و اکنون، حافظه و زندگی، در هم تنیده می‌شوند. وطن نیز در همین افق فهم می‌شود؛ نه به‌عنوان یک قلمرو، بلکه به‌عنوان کیفیتی که از این رابطه برمی‌خیزد. تفاوت سرزمین و وطن نیز از همین‌جا آغاز می‌شود. سرزمین می‌تواند بدون انسان وجود داشته باشد، اما وطن نه. سرزمین را می‌توان اندازه گرفت، مرزبندی کرد و بر نقشه ترسیم کرد؛ اما وطن را نمی‌توان با مختصات جغرافیایی توضیح داد. وطن تنها زمانی پدیدار می‌شود که انسان در سرزمین سکونت کند. آن را به خاطر بسپارد، در آن زندگی بیافزیند و بخشی از وجود خود را در آن به ودیعه بگذارد. به همین دلیل، وطن یک ابزار نیست که بتوان آن را تملک کرد؛ بلکه نحوه‌ای از نسبت‌داشتن با جهان است.

از این منظر، آنچه انسان را به وطن پیوند می‌دهد، نه صرفا اقامت در یک سرزمین، بلکه تداوم این نسبت است. خاطره، تنها یادآوری گذشته نیست؛ استمرار حضور انسان در جهانی است که او را ساخته و خود نیز به دست او ساخته شده است. هیچ‌کس وطن خود را از روی نقشه دوست ندارد. آنچه در حافظه باقی می‌ماند، خطوط مرزی نیست، بلکه کوچه‌ای است که کودکی در آن گذشته، بوی خاک پس از باران، سبزه درختی که سال‌ها پناه رهگذران بوده، امتداد کوه‌هایی که افق شهر را ساخته‌اند، یا نوری که هر غروب بر دیوارهای خانه نشسته است. اینها جزئیاتی پراکنده نیستند؛ اجزایی کلی به نام منظر هستند که انسان از خلال آن، حتی خود را بازمی‌شناسد. به همین دلیل است که بی‌وطنی، صرفا دوری از یک سرزمین نیست. بی‌وطنی، گسستن نسبتی است که انسان با جهان خود برقرار کرده است. انسان بی‌وطن فقط خانه‌اش را از دست نمی‌دهد؛ بخشی از امکان بازشناسی خویش را نیز از دست می‌دهد. از همین رو، آوارگی را نمی‌توان تنها با جابه‌جایی در فضا توضیح داد. آوارگی، نوعی گسست وجودی است؛ گسستی میان انسان و منطری که حافظه، هویت و معنای زندگی او را در خود جای داده است. شاید از همین روست که بسیاری از انسان‌ها، حتی پس از سال‌ها زندگی در سرزمینی دیگر، همچنان سودای بازگشت دارند. آنچه آنان را فرامی‌خواند، نه فقط خانه یا دارایی، بلکه منطری است که بخشی از وجودشان هنوز در آن سکونت دارد.

در این معنا، منظر صرفا بازنامه‌ای وطن نیست؛ عرصه‌ای است که وطن در آن تحقق می‌یابد. وطن، نه پیش از منظر و نه بیرون از آن، بلکه در دل تجربه منظرین انسان از سرزمین شکل می‌گیرد. ازاین‌رو هویت یک ملت را نیز نمی‌توان جدا از منظر آن فهمید. فرهنگ، زبان، آیین، خاطره و تاریخ، همگی در منظر تجسد می‌یابند و از خلال آن تداوم پیدا می‌کنند. منظر، حافظه عینی یک جامعه است.

اگر این برداشت را بپذیریم، آنگاه معنای ویرانی نیز دگرگون می‌شود. آنچه در بحران‌ها و جنگ‌ها آسیب می‌بیند، فقط زیرساخت‌ها و بناها نیستند. منظر نیز زخمی می‌شود و با زخم‌خوردن منظر، بخشی از حافظه جمعی یک ملت نیز آسیب می‌بیند. ازهمین‌رو بازسازی یک سرزمین تنها با ساختن ساختمان‌ها پایان نمی‌یابد. بازسازی واقعی، بازآفرینی منطری است که بتواند دیواره خاطره، تعلق و امید بیافزیند. زیرا وطن، بیش از آنکه در کالبدها سکونت داشته باشد، در نسبت انسان با آن کالبدها زندگی می‌کند. شاید از همین نگاه بتوان فهمید که چرا برخی ملت‌ها در سخت‌ترین شرایط نیز وطن خود را ترک نمی‌کنند و چرا بسیاری از آنان که ناگزیر به مهاجرت شده‌اند، همواره رؤیای بازگشت را با خود حمل می‌کنند. این تصمیم را نمی‌توان تنها با ملاحظات اقتصادی، امنیتی یا سیاسی توضیح داد. در پس آن، نسبتی عمیق تر نهفته است؛ نسبتی که انسان با منظر وطن خود برقرار کرده است. وطن، فقط جایی نیست که انسان در آن زندگی می‌کند؛ جایی است که بخشی از وجود او در آن سکونت دارد. بهتر است مفهوم وطن را از افقی دیگر نیز بازخوانی کنیم. نه برای آنکه جای ناسیبا را جغرافیا را بگیرد، بلکه برای آنکه لایه‌ای را آشکار کند که بدون آن، فهم وطن همواره ناقص خواهد ماند. اگر سرزمین واقعیتی جغرافیایی است و کشور واقعیتی سیاسی، وطن را باید واقعیتی منظرین دانست؛ واقعیتی که در آن، انسان و سرزمین، طی نسل‌ها، یکدیگر را معنا می‌کنند. وطن را می‌توان بر نقشه نشان نداد و همچنان آن را شناخت؛ زیرا وطن، پیش از آنکه بر زمین ترسیم شود، در ذهن یک ملت پدیدار می‌شود. از همین رو، وطن نه فقط جایی برای زیستن، بلکه شیوه‌ای از بودن انسان در جهان است، عالی‌ترین مرتبه سکونت انسان است. سرزمین را طبیعت می‌آفریند اما وطن را سکونت. سرزمین پیش از انسان نیز وجود داشته است و پس از انسان نیز خواهد بود. اما وطن تنها با حضور انسان پدید می‌آید. وطن، کیفیتی نیست که در خاک نهفته باشد؛ کیفیتی است که از سکونت، خاطره، آیین و تجربه مشترک انسان‌ها در سرزمین شکل می‌گیرد. از این رو، وطن را باید پدیده‌ای منظرین دانست؛ پدیده‌ای حاصل رابطه انسان و سرزمین. پس سیاست سرزمین نیست، نام وجودی نیست انسان و سرزمین است. شاید آنچه باعث شد مردم ایران در طول جنگ ۴۰ روزه آمریکایی- اسرائیلی محل زندگی خود را ترک نکنند، همچنان مقاومت کنند و اتفاقا حتی بیش از هر زمان دیگری حضور داشته باشند، همین مفهومی از وطن باشد که برای انسان ایرانی معنا دارد. انسان ایرانی «باطون» است و در مقابل شاید آنچه باعث شد مردم سرزمین‌های اشغالی در همان روزهای نخستین جنگ اقدام به ترک کشور خود کنند، عدم اتصال به سرزمین نیست، گسست وجودی است، در واقع «بی‌وطنی» است. از این منظر جهس‌با بزرگ‌ترین درد آدمی «بی‌وطنی» باشد، نافرینی که می‌توان در حق مردم یک سرزمین کرد. چراکه انسانی بی‌وطن، انسان بدون معنا، بدون خویشن و همواره سرگردان است.

گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس از ساختمان‌هایی که در برابر بحران، خود به بخشی از خطر تبدیل می‌شوند

بحران؛ آزمون ساختمان‌ها



معماری مسدود شده است. گزارش تاکید می‌کند مسیر خروج باید همواره قابل استفاده باشد. در ساختمان‌های مسکونی، داشتن دو مسیر خروج مستقل، راه‌پله‌های محصور و مقاوم در برابر حریق و درهای ضدحریق از مهم‌ترین اقدامات ایمنی است. سیستم‌های اعلام حریق نیز باید در همه بخش‌های ساختمان، از جمله فضاهای مسکونی و پارکینگ‌ها، وجود داشته باشد. پارکینگ‌ها از نقاط حساس ساختمان هستند. وجود خودرو، سوخت و تجهیزات مختلف، احتمال گسترش آتش را افزایش می‌دهد. به همین دلیل، گزارش نصب سیستم‌های اطفای خودکار، به‌ویژه در پارکینگ‌ها و پیش‌بینی تجهیزات مناسب برای کنترل دود و آتش را ضروری می‌داند. در برابر زلزله نیز طراحی منظم ساختمان، به‌ویژه از تغییرات ناگهانی در ارتفاع و شکل بنا و مهار اجزای غیرسازه‌ای اهمیت دارد. دیوارهای داخلی، نما، سقف‌های کاذب و تجهیزات سنگین اگر به‌درستی مهار نشده باشند، ممکن است حتی در ساختمانی که اسکلت آن پابرجا می‌ماند، موجب آسیب و تلفات شوند.

اداره‌ها؛ ساختمان‌هایی که نباید با اولین بحران تعطیل شوند

در ساختمان‌های اداری، مسئله فقط حفظ جان کارکنان نیست. بسیاری از اداره‌ها بخشی از خدمات عمومی و شهری را ارائه می‌کنند و توقف فعالیت آنها می‌تواند آثار گسترده‌تری داشته باشد. به همین دلیل، گزارش بر مفهوم «تداوم فعالیت» تاکید دارد. ساختمان اداری باید به‌گونه‌ای طراحی شود که در صورت آسیب‌دیدن بخشی از بنا، امکان ادامه فعالیت‌های ضروری وجود داشته باشد. ایجاد فاصله ایمنی در اطراف ساختمان، تقویت سازه و اتصالات، کاهش خطر ریزش پیش‌رونده و استفاده از نماهای مقاوم‌تر از جمله راهکارهای پیشنهادی است. ورودی ساختمان نیز نباید به‌صورت مستقیم و بدون فضای واسطه به بخش‌های اصلی اداری متصل باشد. کنترل دسترسی، جداسازی فضاهای عمومی از بخش‌های حساس، استفاده از دوربین‌های نظارتی و پیش‌بینی مرکز کنترل بحران نیز از دیگر تمهیدات مطرح‌شده است. در برابر آتش‌سوزی وجود چند مسیر خروج، راه‌پله‌های مقاوم، سیستم‌های اعلام و اطفای حریق، برق اضطراری و سیستم کنترل دود ضروری است. ساختمان‌های اداری همچنین باید برای تخلیه کارکنان آموزش دیده باشند و مانورهای دوره‌ای برگزار کنند. در صورت وقوع زلزله، تجهیزات سنگین مانند کُر‌های جری، کابینت‌ها و تاسیسات باید به سازه مهار شوند. سقف‌های کاذب سنگین نیز می‌توانند در زمان زلزله به عاملی برای آسیب تبدیل و باید با دقت طراحی و اجرا شوند.

مراکز خرید؛ جایی که چند دقیقه می‌تواند سرنوشت‌ساز باشد

مراکز تجاری به دلیل تراکم جمعیت، شرایط متفاوتی دارند. در این ساختمان‌ها، یک حادثه کوچک می‌تواند در مدت کوتاهی تعداد زیادی از مردم را درگیر کند. به همین دلیل، خروجی‌های متعدد، مسیرهای روشن و قابل شناسایی و امکان تخلیه سریع اهمیت زیادی دارد. طراحی مسیرهای خروج نباید به‌گونه‌ای باشد که مردم در زمان بحران در یک نقطه متراکم شوند. در برابر تهدیدهای انفجاری، فاصله ساختمان از معبر و امکان جلوگیری از نزدیک‌شدن خودروها به ورودی‌ها اهمیت دارد. شیشه‌های ویتروین نیز باید تا حد امکان از نوع مقاوم و لمینیت باشند. در داخل مراکز تجاری، جداسازی فضاهای می‌تواند از گسترش سریع آتش و دود جلوگیری کند. سیستم‌های اعلام حریق، اسپرینکلر، تخلیه مکانیکی دود و راه‌های خروج متعدد باید از ابتدا در طراحی ساختمان پیش‌بینی شوند. پارکینگ مراکز تجاری نیز یکی از نقاط حساس است. تهویه اضطراری، سنسورهای تشخیص دود و مونوکسیدکربن و تجهیزات مناسب برای کنترل آتش خودروها، از جمله اقداماتی هستند که باید جدی گرفته شوند.

ساختمان‌های قدیمی؛ مسئله‌ای که نمی‌توان به‌فردا سپرد

اگر قرار باشد فقط ساختمان‌های جدید با الزامات پدافند غیرعامل ساخته شوند، بخش بزرگی از مسئله همچنان باقی خواهد ماند. میلیون‌ها ساختمان موجود، سال‌هاست که مورد استفاده قرار می‌گیرند و بسیاری از آنها برای تهدیدهای امروز طراحی نشده‌اند. گزارش پیشنهاد می‌کند ساختمان‌های حساس و پرخطر ابتدا شناسایی شوند. بیمارستان‌ها، مدارس، ساختمان‌های بلندمرتبه، مراکز اداری مهم و تاسیسات حیاتی شهری باید در اولویت ارزیابی قرار بگیرند. مقاوم‌سازی نیز می‌تواند مرحله‌ای باشد. در زمان تعویض پنجره‌ها می‌توان از شیشه‌های مقاوم استفاده کرد. در زمان بازسازی، می‌توان بخشی از زیرزمین یا فضای مناسب را به فضای امن اختصاص داد. مسیرهای خروج را می‌توان از موانع پاک و تجهیزات سنگین را به سازه مهار کرد. گزارش تاکید دارد در مقاوم‌سازی ساختمان‌های موجود، نخستین اولویت باید حفظ جان انسان‌ها باشد. پیش از اقدامات پرهزینه سازه‌ای، باید خطر سقوط اجزای نما و تجهیزات، مسدودبودن مسیرهای خروج و نبود سیستم هشدار و اطفای حریق برطرف شود.

شهرداری‌ها؛ نقطه شروع اجرای ایمنی

یکی از مهم‌ترین بخش‌های گزارش به نقش شهرداری‌ها و سازمان نظام مهندسی مربوط است. در این نگاه، پدافند غیرعامل نباید موضوعی جدا از فرایند ساخت‌وساز باشد. الزامات ایمنی باید در مرحله صدور پروانه، کنترل نقشه، نظارت بر اجرا و صدور پایان کار مورد توجه قرار گیرد. برای ساختمان‌های مهم و بلندمرتبه نیز می‌توان بررسی‌های تخصصی و تاییدیه‌های جداگانه در نظر گرفت. گزارش پیشنهاد می‌کند شهرداری‌ها حداقل استانداردهای ایمنی عمل می‌کنند، می‌تواند سازندگان را چک‌لیست‌های مشخصی برای ارزیابی ساختمان‌ها داشته باشند؛ چک‌لیست‌هایی که مواردی مانند تعداد خروجی‌ها، عرض مسیرهای فرار، وضعیت نما، کیفیت مهار شیشه‌ها، وجود فضای امن و تجهیزات ایمنی را بررسی کنند. در کنار الزام و نظارت، مشوق‌های اقتصادی نیز می‌تواند به افزایش ایمنی کمک کند. کاهش عوارض یا ارائه مشوق به ساختمان‌هایی که فراتر از حداقل استانداردهای ایمنی عمل می‌کنند، می‌تواند سازندگان را به سرمایه‌گذاری بیشتر در این حوزه ترغیب کند.

شهران فقط با دیوار و دوربین ساخته نمی‌شود

گزارش در کنار راهکارهای فنی و معماری، بر نقش جامعه نیز تاکید دارد. پدافند غیرعامل فقط به دیوارهای ضخیم، دوربین‌های مدارستسته و موانع فیزیکی محدود نمی‌شود. جامعه‌ای که آموزش دیده باشد، در زمان بحران بهتر می‌تواند واکنش نشان دهد. آموزش‌های محله‌ای و مدرسه‌ای، مشارکت داوطلبانه مردم و ایجاد شبکه‌های اجتماعی حیاتی می‌تواند ظرفیت شهر را برای مواجهه با بحران افزایش دهد. در عین حال، امنیت نباید به ساخت شهرهایی تبدیل شود که در آنها دیوار و مانع جای فضای عمومی و تعامل اجتماعی را گرفته است. به همین دلیل، گزارش بر ترکیب امنیت و کیفیت زندگی تاکید دارد. عناصر شهری مانند گلدان‌های بزرگ، میلمان مقاوم و عناصر منظر می‌توانند در کنار نقش شهری، در برخی نقاط نقش حفاظتی نیز داشته باشند.

ساختمان ایمن، پیش از بحران ساخته می‌شود

در این گزارش تاکید شده ساختمان ایمن، ساختمانی نیست که فقط در برابر یک حادثه دوام بیاورد؛ ساختمان ایمن باید بتواند جان انسان‌ها را حفظ کند، مسیر خروج را باز نگه دارد و پس از حادثه نیز تا حد امکان به عملکرد خود ادامه دهد. این نگاه، پدافند غیرعامل را از یک موضوع تخصصی و محدود خارج و آن را به بخشی از زندگی روزمره شهروندان تبدیل می‌کند؛ از انتخاب فرم ساختمان و نوع شیشه گرفته تا طراحی پارکینگ، تعداد راه‌های خروج، وضعیت نما و آموزش ساکنان.

نگاه

نزاع بر سر شهر؛ روایت قدرت و سیاست شهری

امیر شفیعی، پژوهشگر سیاست‌گذاری شهری: کتاب نزاع بر سر شهر نوشته علی اعطا، عضو سابق شورای شهر تهران در دوره پنجم، بخشی از یادداشت‌های گردآوری‌شده نویسنده درباره اداره شهر با تمرکز بر شهر تهران است که از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۴ در روزنامه‌های مختلف منتشر شده است. کتاب به نوعی داوری نویسنده درباره اهم سیاست‌های شهری در چهار حوزه حکمروایی شهری، زیست شهری و ایمنی، فضای عمومی و باغ‌های شهری است. چند ویژگی مثبت کتاب، آن را از سایر کتاب‌های مشابه یادداشت‌ها متمایز می‌کند. در وهله نخست، کتاب متکی به دانش تجربی نویسنده به‌ویژه در تهران و در دوره شورای شهر است که از رجاعات مختلف به این‌تجارب شخصی در موضوع‌های مختلف دارد. این ارجاعات واجد این امتیاز است که در خدمت موضوع قرار دارند و نه صرفا بیان رخ داده‌ها یا نوعی روزمره‌نگاری. از طرف دیگر ما صرفا با بیان یک دانش تجربی پراکنده در موضوع‌های مختلف روبه‌رو نیستیم؛ اگرچه ترجیح بر آن بود تا برخی از یادداشت‌ها با هم جمعیم می‌شدند تا از تکرار برخی اطلاعات پرهیز شود (همچون یادداشت‌های مرتبط با حرم تاتار شهر یا برخی یادداشت‌های مربوط به مسئله باغات)، یک نخ تسبیح نظری پشتوانه همه این یادداشت‌هاست (مگر یکی دو مورد) که به‌خوبی در عنوان کتاب دروز یافته است، یعنی دغدغه نویسنده درباره شهر و اداره شهر در تمام چهار گفتار کتاب و رویکرد نظری او این است که مردم و آنچه عموما به عنوان منافع عمومی محرز است، چه جایگاهی در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌ها دارند و سیاست‌های شهری مختلف با پیگیری و به نفع چه کسانی برقرار شده‌اند. اگرچه ما با یک ارزیابی سیستماتیک سیاست‌ها روبه‌رو نیستیم و چنین انتظاری هم نمی‌رود، اما داوری او به‌خوبی تصویر کلی از سیاست و قدرت و اینکه چگونه بازنه‌های خبسی‌ها چگونه قابل ردیابی هستند، منبع مالی سیاست‌ها چیست یا چه آثار اقتصادی دارند و پیامدهای محیط زیستی سیاست‌ها چیست، می‌دهد. چه آنجا که گوشه‌ای به طراح حرم تاتار شهر و بی‌خبری شورای شهر و پیگیری شهردار منطقه می‌زند و چه آنجا که میان خطوط گفته آقای چمران، رئیس شورای شهر درباره توقف ساخت‌وساز در باغات را تشریح می‌کند و چه آنجا که درباره کمسیون ماده ۱۰۰ از نزاع سرمایه‌گذار پالادیوم می‌نویسد. به عبارت دیگر ما نه با یک نگاه سیاسی، بلکه با یک نگاه کارشناسی مواجهیم که بر دو بال تجربه سطوح بالای سیاست‌گذاری شهری و دانش تخصصی این حوزه موضوعی سوار است. در نقد شهرداران تهران، هم دقت حاجی، شهردار وقت را در موضوع خروج پادگان ۰۶ نقد می‌کند و هم شهردار کنونی را که در دفاع از موصبه‌های کمسیون ماده ۵ ابراز داشته بود مردم تهران را بیجا از زلزله ترسانده‌ایم. روی‌هم‌رفته و در شرایطی که در متون دانشگاهی ترجمه دانش نظری سایر کشورها جیره شده و بسیاری از مسئولان نیز در رقابتی نالوسته با دانشگاهیان یادداشت‌هایی با تشریح مفاهیم و مرور و معرفی مباحث نظری روزآمد قلم‌فرسایی می‌کنند، تحریر و انتشار دانش ضمنی یکی از مسئولان سیاست‌گذاری شهری به‌ویژه اگر با مرور رخ داده‌ها و روابط قدرت ناگفته همراه باشد، رخدادی ارزشمند برای ارتقای دانش برنامه‌ریزی و مدیریت شهری در کشور است که پیشنهاد می‌کنم همه دست‌اندرکاران و دانش‌پژوهان این عرصه آن را مطالعه کنند.

آگهی دعوت به مجمع عمومی فوق العاده و مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده نوبت اول انجمن علوم علف های هرز ایران به شماره ثبت ۱۵۳۱۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۶۶۰۵۴ بدینوسیله از اعضای پيوسته انجمن دعوت می شود تا در جلسه مجمع عمومی فوق العاده (نوبت اول) و مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده (نوبت اول) که در روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۷ در ترتیب در ساعت ۱۰-۱۱ صبح در محل دیرخانه انجمن به نشانی تهران خیابان پهن، موسسه تحقیقات گیاه پزشکی، بخش تحقیقات علفهای هرز و یا دستور جلسه زیر بر گزار خواهد شد، حضور به هم رسانید. دستور جلسه مجمع عمومی فوق العاده (نوبت اول): ۱- تصویب اساسنامه جدید دستور جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده (نوبت اول): ۱- گزارش عملکرد هیات مدیره ۲- گزارش بارس قانونی ۳- تصویب تراز و صورت های مالی انجمن مربوط به سال های ۱۴۰۱ لغایت ۱۴۰۵ ۴- انتخاب روزنامه کنیبرالانشاز ۵- تعیین میزان حق عضویت ۶- انتخابات اعضای هیات مدیره و بازرس هیات مدیره انجمن علوم علف های هرز ایران

آگهی مناقصه
فرماندهی انتظامی استان البرز در نظر دارد نسبت به تهیه کالای هدیه به مناسبت هفته فرجا۱۴۰۵ اقدام نماید. متقاضیان می توانند پیشنهاد خود را اراس ساعت ۱۰:۰۰ روز پنج شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۸ به آدرس کرج میدان طالقانی پلیس راهور فا.ا.البرز(بنیاد تعاون) تحویل نمایند. برای اطلاع از شرایط مناقصه، تعداد و نوع کالای هدیه، لازم است قبل از برگزاری مناقصه به آدرس فوق مراجعه نمایند.
تلفن ۰۲۱۹۱۰۹۳۱۶۸ کدیه ۰ صفر

برگه کمپانی فاکتور خرید و برگ سبز سند مالکیت خودرو ام وی ام ARRIZO ۵T-AT رنگ مشکی متالیک به نام خانم **افسانه لامعی**
باشماره موتور ۰۱۳۰۸۰MVME۴T۱۵BARL و شماره شاسی ۰۲۲۴۱۰NATFCANHXM۱ و با شماره پلاک ۴۰ ایران ۵۵۶ ل ۵۲ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشند.

مجوز سلاح لنبړ دو لول رو هم ساچمه زنی به شماره سریال ۲۱۷۵۱۵۵ و شماره بدنه ۷۰-۱۲-۰۶-۰۱۷۹۹-۱۳ ساخت کشور اسپانیا به نام **طیبه کسلخه** با کدملی ۰۴۹۷۹۱۶۹۲۱۱ در ۰۲/۰۱/۱۴۰۵مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو تیکو ۷ پرو سفید مدل ۱۴۰۲ به شماره پلاک ۱۲ایران ۸۳و۸۵۲ شماره شاسی ۰۲۸۲۳۸NATGBACJAP۱ و شماره موتور ۰۳۳۸۹۴MVME۴T۱۵CBKP به نام **عقیل عباسی** با کدملی ۰۳۶۱۰۵۹۱۵۳۶ در ۰۵/۰۱/۱۴۰۵مفقود شده و فاقد اعتبار است.

برگه کمپانی فاکتور خرید و برگ سبز سند مالکیت خودرو ام وی ام X۵۵ PRO رنگ سفید به نام خانم **رقیه گرامی**
باشماره موتور ۰۰۸۳۱MVME۴T۱۵CCQN و شماره شاسی ۰۰۵۵۷۲NATGBAEJ۱N۱ و با شماره پلاک ۵۰ ایران ۴۷۱ س ۶۲ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشند.